

هو العليم

اهمیت زیارت امام رضا علیه السلام و رابطه میان زیارت آن حضرت و زیارت خانه خدا در ماه رجب

برگرفته از کتاب «روح مجرد»
حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی
قدس الله سرّه

بسم الله الرحمن الرحيم

از جمله اعمال مستحبی که بر انجام آن در ماه رجب تاکید بسیار شده است زیارت امام رضا علیه السلام می باشد. و در بسیاری از روایات، زیارت آن حضرت در ماه رجب بمنزله زیارت بیت الله الحرام به حساب آمده است. مر حوم علامه طهرانی بحث جامعی را در ارتباط با این مساله در کتاب شریف روح مجرد نموده اند که در ذیل ارائه می گردد:

رابطه میان زیارت آن حضرت و زیارت خانه خدا در ماه رجب المرجب

روایت امام محمد تقی درباره افضلیت زیارت امام رضا بر حج غیر از حجة الاسلام در «کافی» ج ۴، فروع، کتاب الحج و المزار، در باب فضل زیارت ابیالحسن الرضا علیه السلام، ص ۵۸۴ روایت کرده است که:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ، فَدَخَلَ مُتَمَتِّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، فَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى عُمْرَتِهِ وَحَجَّهِ، ثُمَّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ؛ يَعْلَمُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بَغْدَادَ وَسَلَّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ أَنْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ، فَلَمَّا كَانَ فِي وَقْتِ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ الْحَجَّ؛ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ: هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ أَيْضًا فَيُحُجُّ، أَوْ يُخْرُجُ إِلَى خُرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسَلِّمُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: [لَا] بَلْ يَأْتِي خُرَاسَانَ فَيَسَلِّمُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ؛ وَلَيْكُنْ ذَلِكَ فِي رَجَبٍ؛ وَلَا يُنْبَغِي أَنْ تَفْعَلُوا [فِي] هَذَا الْيَوْمِ؛ فَإِنَّ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ مِنَ السُّلْطَانِ شُنْعَةً.

«روایت میکند ابو علی اشعری از حسن بن علی کوفی از حسین بن سیف از محمد بن اسلم از محمد بن سلیمان که گفت:

من از حضرت ابوجعفر امام محمد تقی علیه السلام پرسیدم راجع به مردی که حجة الاسلام خود را انجام داده بود متمتعاً با عمره، یعنی حج تمتع بجای آورده بود، و خداوند وی را کمک نموده بود تا اینکه آنها را صحیحاً بجای آورد؛ و پس از آن به مدینه آمده بود و زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را بجای آورده بود، و سپس با معرفت به حق تو و به اینکه تو حجت خداوند در روی زمین هستی و در خدا میباشی که باید از آن در وارد شد، بهسوی تو آمده بود و تو را زیارت نموده و بر تو سلام داده بود. و پس از آن بهسوی حضرت ابا عبدالله الحسین صلوات الله علیه آمده و بر آنحضرت سلام داده، و سپس به بغداد رفته و بر حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام سلام داده و زیارت نموده، و پس از آن به سوی شهر خود مراجعت نموده است. اینک که موسم حج فرا رسیده است، او متمکن از حج میباشد، بفرمائید: برای او با این کیفیت که ذکر شد که حجة الاسلام خود را انجام داده است، آیا باز حج بیت الله الحرام برای او افضل است، یا اینکه به سوی خراسان برود و بر پدرت علی بن موسی علیهما السلام سلام کند؟!»

حضرت فرمود: نه! بلکه به خراسان رود و بر حضرت أبو الحسن علیه السلام سلام کند البتّه آن افضل است؛ ولیکن باید زیارت و سلامش در ماه رجب باشد. و سزاوار نیست که زیارت آن حضرت را در امروز بجای آورید؛ زیرا سلطان وقت این عمل را برای ما و برای شما قبیح و ناپسند می‌شمرد.» این روایت مبارکه را با سند صحیح دیگری شیخ الطائفة المقدّم متوفی در سنه ۳۶۷ أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه در کتاب نفیس و معتبر «کامل الزیارات» باب ۱۰۱: ثواب زیارة أبی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام بطوس، ص ۳۰۵ از پدرش و از محمد بن حسن و علی بن حسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن ابی خلف از حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره از حسین بن سیف بن عمیره از محمد بن أسلم جبلی از محمد بن سلیمان روایت میکند که: از حضرت أباجعفر علیه السلام پرسیدم... آنگاه روایت را به عین عباراتی که ما از «کافی» آوردیم روایت میکند. مگر اینکه علامه شیخ عبدالحسین آمینی (ره) در تعلیقه خود در ذیل کتاب میفرماید:

عبارت ثُمَّ أَتَاكَ به همین گونه در نسخه‌های کتاب آمده است، و مشهدی در «مزار کبیر» با اسناد خودش نیز به همین طریقی که در کتاب آمده است روایت کرده است؛ و شیخ صدوق هم با همین سند روایت نموده است ولیکن بجای قوله: ثُمَّ أَتَاكَ - إِلَى قَوْلِهِ: ثُمَّ أَتَى آورده است: ثُمَّ أَتَى أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَى - إلخ؛ و آن روایت صدوق اقرب به صواب است.

مراد از «هَذَا الْيَوْمَ» در روایت محمد بن سلیمان

در تفسیر ذیل این حدیث مبارک، دو وجه به نظر می‌رسد:

اول آنکه: مراد از هَذَا الْيَوْمَ زمان خلافت خلیفه جائر زمان بوده باشد؛ و بنابراین، مفاد حدیث چنین میشود: باید زیارت در ماه رجب بوده باشد، و سزاوار نیست در این زمان و در این دوره که بر ما و شما از سلطان وقت خوف تشیع هست بجای آورید، بلکه صبر کنید تا این دوره سپری شود و در آن وقت در ماه رجب مشرف شوید و زیارت کنید.

و اشکالی که به این احتمال وارد میشود آنستکه: شاید تا چندین سال بعد از این، این خلافت جائره سپری نشود و این دوره به پایان نرسد؛ پس چرا حضرت جواد الائمه آن مرد را از حجّ در موسم خود منع فرموده با آنکه بنا به فرض، تمکن از زیارت حضرت علی بن موسی الرضا را ندارد؟!

دوم آنکه: مراد از هَذَا الْيَوْمَ، يوم حجّ و موسم حجّ باشد؛ و بنابراین حضرت میفرماید: این شخص که موسم حجّ رسیده و امر دائر است بر اینکه یا حجّ کند یا زیارت پدرم را، و زیارت مقدّم است، در ایام حجّ و موسم حجّ به خراسان نرود و زیارت نکند زیرا خلیفه میگوید: اینان حجّ خود را زیارت قبر حضرت امام رضا قرار داده‌اند. و در موسم حجّ که مشهود است تمام زائرین بیت الله الحرام از اوطان خود خارج و به سوی مکه میروند، معلوم است که اگر کسی به سمت خراسان و برای زیارت سفر کند این سفر چشمگیر مشخص خواهد

شد و خلیفه میگوید: اینان از عمل حجّ با چنین و چنان اُهمّیتِ إعراض نموده و محلی دیگر که قبر امامشان است، بدانسوی قصد میکنند و حجّ میکنند. پس در موسم حجّ به زیارت نروید و صبر کنید در زمانی که از نقطه نظر تدریج زمان در مقابل موسم حجّ قرار دارد و آن، ماه رجب است که در ضمن دارای شرف و فضیلت و شهرالله الاصبّ است زیارت کنید تا این احتمال تشنّیع از شما برداشته شود. در اینصورت، زیارت کرده‌اید و سلطان را نیز نسبت به خود در شك و شبهه نینداخته‌اید!

و این وجه از احتمال بسیار خوب است و اشکالی ندارد. مضافاً به آنکه در زیارت حضرت امام رضا در موسم حجّ به بیان مقدّم خوف تشنّیع هست نه مطلق زیارت گرچه در ماه رجب باشد؛ چون زیارت ائمّه علیهم السّلام بطور مطلق در آن زمانها رائج و دارج بوده، و شیعیان به زیارت قبور ائمّه خود معروف بوده‌اند.

باری، علیّی الاحتمالین عبارت روایت، لفظ رجب است بالجیم المّعجّمة؛ ولی یکی از دوستان: جناب آیةالله آقای حاج سیّد موسی شبّیری زنجانی دامت برکاته گفتند: در نسخه «کافی» که به تصحیح مرحوم آیةالله شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری اعلی‌الله مقامه الشّریف طبع شده است، رجب را بالحاء المّهمله ضبط کرده‌اند و یک نفر از آیات عظام دامت برکاتهم که کتابی در باب زیارت حضرت امام رضا علیه السّلام نوشته‌اند، این ضبط را ترجیح داده و گفته‌اند که: عبارت رَجَب است، یعنی باید زیارت را در سِعه بجای آورید، و در این زمان که زمان شدّت و ضیق است خودداری کنید چون از سلطان خوف تشنّیع است. و بنابر این زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السّلام در ماه رجب خصوصیتی ندارد؛ چون مناط توهم خصوصیت، فقط همین روایت است؛ و بعد از آنکه معلوم شد عبارت روایت رَجَب است نه رجب این مناط برچیده میشود.

اشکالات وارده در احتمال ضبط «رَجَب» در روایت بجای «رَجَب»

أقول: بر این احتمال، یعنی احتمال ضبط رَجَب بالحاء المّهمله وجوهی از ایراد و اشکال است: اولاً: مرحوم محدّث و علامّه مجلسی در «بحار الانوار» این حدیث را از کتاب «عیون أخبار الرّضا» با سند دیگر از ابن المغیره عَن جَدّه الحَسَن عَن الحَسَنِ بْنِ سَیْفٍ عَن مُحَمَّدِ بْنِ أُسْلَمَ عَن مُحَمَّدِ بْنِ سَلِیَّانَ از حضرت ابا جعفر علیه السّلام روایت میکند، و در آن لفظ رَجَب بالجیم المّعجّمة مضبوط است.^۱

و در آخر این باب فرموده است: و قد مرَّ استِحبابُ کونها فی رَجَب.^۲

و ثانیاً: مرحوم مجلسی در «تحفة الزّائر» رَجَب ضبط فرموده چون در این کتاب در ضمن ترجمه این حدیث شریف گوید: و باید که در ماه رَجَب باشد، و در این زمان مکنید که بر ما و شما از خلیفه خوف تشنّیع هست.^۳

و مرحوم محدّث قمی در «هدیّة الزّائرین» عین همین ترجمه مجلسی را در این فقره از حدیث

^۱ «بحار الانوار» طبع کمپانی، جلد ۲۲، کتاب المزار، ص ۲۲۵، و ص ۲۲۶

^۲ همان

^۳ «تحفة الزّائر» طبع سنگی، ص ۴۰۲

و ثالثاً: ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند متصل خود از پدرش و محمد بن الحسن و علی بن الحسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن ابی خلف از حسن بن علی بن عبدالله بن المغیره از حسین بن سیف بن غمیره از محمد بن اسلم جلی از محمد بن سلیمان از حضرت ابی جعفر الجواد علیه السلام عین این روایت را با لفظ رجب با جیم معجمه روایت کرده است.^۲

و در «وسائل الشیعة» بابی را به عنوان استحباب اختیار زیارة الرضا علیه السلام و خصوصاً فی رجب منعقد نموده است.^۳

و رابعاً: مرحوم شیخ فضل الله نوری در این حدیث شریف ضبط رجب را به حاء مهمله نفرموده است و تصریحی بر ماده رَحَب ندارد و فقط چنانچه در ص ۳۲۶ از جلد اول «فروع کافی» ملاحظه میشود عبارت به لفظ رَحَب نوشته شده است؛ بنابراین به چه دلیل میتوان گفت: این تصحیح آن مرحوم است؟ بلکه به ظن قریب به یقین در کتابت، کاتب نقطه جیم را نگذارده است.

و خامساً: اگر شك کنیم که در اصل رَحَب بوده یا رَجَب، أصالة عدم زیادة النقطه مُقَدِّمٌ علی أصالة عدم النقیصة؛ و بنابراین باید گفت رَجَب در نسخ صحیح است نه رَحَب.

و سادساً: معنی رَحَب مناسب با مقام نیست، چون رَحَب به معنی وسعت در مکان و محل است نه هر سِعه‌ای. و از موارد استعمال آن مشاهده میشود که پیوسته در موارد سِعه مکانی و محلی از آن استفاده میشود، و اگر احیاناً به معنی مطلق سِعه آید، باز به عنایت استعمال لفظ خاص در معنی مطلق آن است.

در «لسان العرب» گوید: وَ الرَّحْبُ بِالْفَتْحِ وَ الرَّحِيبُ: الشَّيْءُ الْوَاسِعُ. تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ رَحْبَةٌ. الْأَزْهَرِيُّ: ذَهَبَ الْفَرَاءُ إِلَى أَنَّهُ يُقَالُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ بِلَادٌ رَحْبَةٌ، كَمَا يُقَالُ: بَلَدٌ سَهْلٌ وَ بِلَادٌ سَهْلَةٌ. وَ قَدْ رَحَبَتْ تَرَحُّبٌ وَ رَحَبَ يَرُحِبُ رُحْبًا وَ رَحَابَةً وَ رَحَبَتْ رَحْبًا. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: وَ أَرْحَبْتُ، لُغَةٌ بِذَلِكَ الْمَعْنَى. وَ قَدَّرَ رُحَابٌ أَى وَاسِعَةٌ...

ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ: وَ الرَّحْبَةُ: مَا اتَّسَعَ مِنَ الْأَرْضِ، وَ جَمَعُهَا رُحْبٌ، مِثْلُ قَرْيَةٍ وَ قَرْيٍ. «إِلَى أَنْ قَالَ صَاحِبُ لِسَانِ الْعَرَبِ:

وَ رَحْبَةُ الْمَسْجِدِ وَ الدَّارِ، بِالتَّحْرِيكِ: سَاحَتُهَا وَ مُتَسَعُّهَا. قَالَ سَيَوِيهِ: رَحْبَةٌ وَ رِحَابٌ كَرَقَبَةٍ وَ رِقَابٍ وَ رَحَبٌ وَ رَحَبَاتٌ.

الْأَزْهَرِيُّ: قَالَ الْفَرَاءُ: يُقَالُ لِلصَّخْرَاءِ بَيْنَ أَفْنِيَةِ الْقَوْمِ وَ الْمَسْجِدِ: رَحْبَةٌ وَ رَحْبَةٌ. وَ سُمِّيَتْ الرَّحْبَةُ رَحْبَةً

۱ «هدية الزائرین» طبع سنگی، ص ۲۳۸

۲ «کامل الزیارات» ص ۳۰۵ و ۳۰۶

۳ «وسائل الشیعة» طبع امیر بهادر، ج ۲، ص ۴۱۰

لِسَعَتِهَا. بِمَا رَحِبَتْ أَى بِمَا اتَّسَعَتْ. يُقَالُ: مَنْزِلٌ رَحِيبٌ وَرَحْبٌ.

و در «صَحاح اللُّغة» گوید: الرَّحْبُ بِالضَّمِّ: السَّعَةُ؛ تَقُولُ مِنْهُ: فَلَانُ رُحْبُ الصَّدْرِ. وَ الرَّحْبُ بِالْفَتْحِ: الْوَاسِعُ، تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ رَحْبَةٌ؛ وَ قَدْ رَحِبْتَ بِالضَّمِّ تَرْحُبُ رُحْبًا وَ رَحَابَةً. وَ قَوْلُهُمْ: مَرَحَبًا وَ أَهْلًا أَى أَتَيْتَ سَعَةً وَ أَتَيْتَ أَهْلًا فَاسْتَأْنَسَ وَ لَأَسْتَوْحِشَ. وَ قَدْ رَحَبَ بِهِ تَرْحِيبًا، إِذَا قَالَ لَهُ: مَرَحَبًا... وَ قَدْ رُحِبَ أَى وَاسِعَةً. وَ الرَّحْبَى: أَعْرَضَ الْأَضْلَاعَ، وَ إِنَّمَا يَكُونُ النَّاجِزُ فِي الرَّحْبَيْنِ وَ هُمَا مَرْجِعُ الْمَرْفَقَيْنِ، وَ هُوَ أَيْضًا سَمَةٌ فِي جَنْبِ الْبَعِيرِ. وَ الرَّحِيبُ: الْأَكُولُ. وَ فَلَانٌ رَحِيبُ الصَّدْرِ أَى وَاسِعُ الصَّدْرِ. وَ رَحَابُ التَّخُومِ: سَعَةُ أَقْطَارِ الْأَرْضِ. وَ رَحِبَتِ الدَّارُ وَ أَرْحَبَتْ بِمَعْنَى، أَى اتَّسَعَتْ... إِلَى آخِرِ مَا أَفَادَهُ.

و مشابه آنچه گفته شد در «تاج العروس» آمده است. و محصل از آنچه ذکر شد آنکه: این توهم فقط و فقط از نگذاردن يك نقطه «رَجَب» بوجود آمده است. و بما ذكرنا كله عرفت أنه توهم بلا مورد؛ فلا تغفل.

و سابعاً: از آنچه اخیراً در معنى رجب ذکر شد معلوم شد که: رُحْب به معنى سَعَة است و رُحْب به معنى واسع؛ و روایت شریفه بر فرض صحّت وارد شدن آن با حاء مهمله و بدون نقطه، باید رُحْب بِالضَّمِّ باشد نه رُحْب بِالْفَتْحِ؛ و چون در نسخه «کافی» مطبوع مرحوم شیخ، رَحْب بِالْفَتْحِ نوشته شده است و فتحه روی راء مشهود است، بنابراین متعیّن حذف نقطه است از جیم معجمه نه به غلط ضمّه را فتحه قرار دادن.

افضلیت زیارت مشاهد مشرفه در ماه رجب

و علّت آنکه حضرت جواد علیه السلام ماه رجب را معین میکنند، مضافاً إلى ما ذکرناه آنکه زیارت همّه ائمه علیهم السلام در ماه رجب مستحبّ است و حائز فضیلت بیشتری از سائر شهور است؛ کما آنکه در «إقبال» در باب أعمال رجب، ص ۶۳۱ راجع به استحباب زیارت هر يك از مشاهد مشرفه در ماه رجب میفرماید: رَوَيْنَاهَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ الطُّوسِيِّ (ره) فِيهَا ذِكْرُهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جُبَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَوْلَانَا يُعْنَى أَبَا الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: زُرْ أَى الْمَشَاهِدِ كُنْتَ بِحَضْرَتِهَا فِي رَجَبٍ، تَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَتْهُ آخِرُ زِيَارَتِ شَرِيفَةٍ وَارِدَةٍ.

نصّ بر استحباب زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام در شهر رجب، فقط در این روایت است و روایتی دیگر نداریم. اما چون این روایت سندش قوی است، لهذا کافی است برای عقد باب استحباب زیارت آن حضرت در ماه رجب.

پادشاهی مترتبه بر زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام

و اما روایات در فضیلت زیارت آن حضرت بطور مطلق، بسیار است. در بعضی وعده بهشت داده شده است، و در بعضی عدل شهادت شهدای بدر بشمار آمده است، و در بعضی ثواب هزار حجّ و هزار هزار حجّ بر آن مترتب گردیده است.

جعفر بن محمد بن قولویه روایت میکند از حسن بن عبدالله از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی از داود

صَرَمِيّ از ابوجعفر ثانی (امام محمد تقی) علیه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ.

«داود صرمی گفت: شنیدم که حضرت میگفت: کسیکه قبر پدرم را زیارت کند پس جزای وی بهشت است.»

و أيضاً روایت میکند از پدرش از سعد از ابراهیم بن ریّان^۲ که گفت: حدیث کرد برای من یحیی بن الحسن الحسینی که او گفت: حدیث کرد برای من علی بن عبدالله بن قطرب از حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام:

قَالَ: مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَهُوَ شَابٌّ حَدَّثَ وَبَنُوهُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ؛ فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضٍ غُرْبَةٍ. فَمَنْ زَارَهُ مُسْلِمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَشَهَدَاءٍ بَدْرٍ.^۳

«ابن قطرب میگوید: در حضور حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که پسرانش مجتمع بودند، پسرش علی که نوجوانی بود عبور کرد. حضرت فرمود: این پسر در زمین غربت میمیرد. پس کسیکه تسلیم امر ولایت و امامت او باشد و به حق او عارف و شناسا باشد، اگر او را زیارت کند ثواب او در نزد خداوند عزوجل مانند شهیدان غزوه بدر میباشد.»

و أيضاً روایت میکند از پدرش، و از محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم از حمدان بن إسحق که گفت: از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم، و یا آنکه برای من از مردی از ابا جعفر علیه السلام حکایت کرد - و شک از علی بن ابراهیم است - که حضرت اباجعفر علیه السلام گفت:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

قَالَ: فَحَجَجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ. فَقَالَ لِي [قَالَ - ظ] أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ بَنَى لَهُ مَنْبَرًا بِحِذَاءِ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آئِهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ.

فَرَأَيْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ زَارَ فَقَالَ: جِئْتُ أَطْلُبُ الْمَنْبَرِ.^۴

«کسیکه قبر پدرم را در طوس زیارت نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را میآمرزد. حمدان بن إسحق یا آن مرد دیگر میگوید: من پس از ملاقات و دیدار حضرت ابوجعفر امام جواد علیه السلام حج بیت الله الحرام را بجای آوردم، و در حج با ایوب بن نوح برخورد و ملاقات نمودم. او به من گفت: حضرت ابوجعفر علیه السلام فرموده است: کسیکه قبر پدر مرا در طوس زیارت کند، تمام

^۱ علامه شیخ عبدالحسین امینی رحمه الله علیه در تعلیقه دارد که: الصَّرْمِيُّ بفتح الصاد المُهْمَلَة و قيل بكسرهما و بعدها راء ساكنة، يُنسب إلى بنى صرمة بن كثير. بطن من عُذرة بن زيد اللات من القحطانية؛ أو إلى صرمة بن مرة: حي من ذبيان. و داود هذا هو داود بن مافئة الصرمي بقرينة أحمد بن عيسى، لا داود الصرمي الذي من أصحاب الهادي عليه السلام يروى عنه أحمد بن أبي عبد الله؛ و قد ذهب بعض إلى اتحادهما.

^۲ «كامل الزيارات»، باب ۱۰۱، ص ۳۰۳

^۳ در نسخه «بحار» (ج ۲۲، ص ۲۲۶ از طبع کمپانی و ج ۱۰۲ ص ۴۱ از طبع حیدری) ابراهیم بن الزیّات ضبط نموده است. (م)

^۴ «كامل الزيارات»، باب ۱۰۱، ص ۳۰۴ و ۳۰۵

گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده میشود و خداوند در روز قیامت در صحرای حشر برای او منبری میسازد در مقابل منبر رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و علی علیه‌السلام تا اینکه خداوند از حساب خلائق فارغ گردد.

من پس از این جریان، ایوب بن نوح را دیدار کردم درحالی‌که زیارت قبر حضرت علی بن موسی الرضا علیهما‌السلام را انجام داده بود و گفت: من آمدم تا اینکه آن منبر موعود را به دست آورم.

و ایضاً روایت میکند از محمد بن حسن از محمد بن حسن صفار از احمد ابن محمد بن عیسی از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی؛ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبْلَغُ شِيعَتِي: إِنَّ زِيَارَتِي تُعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ.

قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْفَ حَجَّةٍ؟! قَالَ: إِي وَاللَّهِ! وَأَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ.^۱
«میگوید: من در کتاب حضرت امام أبو الحسن الرضا علیه‌السلام خواندم: به شیعیان من برسانید که: زیارت من در نزد خداوند معادل با هزار مرتبه حج بیت الله الحرام را انجام دادن است. بزنطی میگوید: من از روی تعجب به حضرت أبو جعفر امام محمد تقی علیه‌السلام عرض کردم: هزار حج؟!»

فرمود: آری قسم به خدا! و هزار هزار حج برای کسیکه زیارت کند او را درحالی‌که عارف به حق وی باشد.»

باری، با ملاحظه آنچه ذکر شد، شاید بدست آید سر استحاب زیارت حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام در ماه رجب المرجب، و ارتباط قوی آن زیارت با زیارت بیت الله الحرام. چرا که شهر رجب از ماههای حرام است که تک افتاده است، به خلاف ذوالقعدة الحرام و ذوالحجة الحرام و محرّم الحرام که این سه ماه، متوالی و پی در پیاند؛ و در ماه رجب جنگ حرام است، و دارای اعتبار و خصوصیات است که آنرا از سایر ماهها متمایز میگرداند؛ و شهر الله است؛ و برای بسیاری از سالکان راه خدا، در ماه رجب فتح باب میشود. ولادت امیر المومنین و بعثت رسول الله صلوات الله و سلامه علیهما موجب مزید تکریم و تشریف این ماه شده است.

سر استحاب زیارت امام رضا علیه‌السلام در ماه رجب و رابطه آن با حج کعبه بیت الله الحرام

بنابر این هیچیک از أقسام عمره، چون عمره رجبیه نیست؛ و در فضیلت، با فضیلت حج فقط یک درجه فرق دارد. و در این روایت اخیر دیدیم زیارت حضرت امام هشتم برای شیعیان خلص و عارفان به مقام و منزلت و حق او، ثواب هزار و یا هزار هزار حج بر آن مترتب است. و ابدأ جای استبعاد نیست؛ زیرا حیات کعبه به ولایت است. بنابر این ولایت محور است و کانون، و کعبه در حکم محیط پرگار است. نمیبینی چگونه مردم دور کعبه‌ای که علی در آن متولد شده است دور میزنند و طواف میکنند و خواهی خواهی طوعاً او کرهاً ناچارند تسلیم آن حقیقت و واقعیت شوند؟!!

همه مسلمین چه شیعه و چه عامه بر سر سفره آنحضرت نشسته‌اند، چرا که بقدری گسترده است که در برابرش سفره دگری متصور نیست. بلکه همه عالم از برکات وجودی و از ولایت تکوینی و وجودیه آنحضرت متمتع‌اند. در اینصورت مبدا استبعاد کنی که چطور میشود ثواب یک زیارت حضرت امام رضا علیه‌السلام عارفاً بحقه، معادل با ثواب هزار هزار حج باشد؟!!

^۱ «کامل الزیارات» باب ۱۰۱، ص ۳۰۵

آنجا کعبه ظاهر است و اینجا کعبه باطن. آنجا تکلیف است و اینجا محبت. آنجا جسم است و اینجا جان.

روای صادقه درباره ارتباط زیارت آن حضرت با حج و عمره

باری! اگر بخواهیم در این باره سخن را گسترش دهیم به درازا میکشد؛ یک سرش در دست ما و سر دیگرش به لایتنای میرسد. آنوقت باید نه تنها به درازای دنیا بلکه به گسترش عالم برزخ و مثال، بلکه به وسعت قیامت و بهشت و دوزخ، و از آن برتر و بالاتر مطلب را گسترش دهیم. بنابراین فعلاً صلاح است که به همین مقدار اکتفا شود، تا نه خامه من بشکند، و نه شما از خانه و لانه و دکان آواره شوید! فقط به ذکر یک روای صادقه که از یکی از همشیره‌های خود حقیر است اکتفا نموده، مطلب را خاتمه می‌دهیم:

حقیر قبل از تشرف به نجف اشرف فقط سه بار به زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام مشرف شده‌ام؛ و چون محطّ دروس تحصیلی ما مطالعه اخبار و احادیث نبود، نمیدانستم زیارت آنحضرت ثواب حجّ بیت‌الله را دارد؛

و بالخصوص در ماه رجب زیارت مخصوصه است. در مدّت اقامت هفت ساله در نجف هم به احادیث زیارت حضرت امیرالمومنین و حضرت سیدالشهداء علیهما السلام چون محلّ ابتلا بود مراجعه میشد؛ ولی به احادیث ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مراجعه نمیشد.

در مراجعت از نجف اشرف نیز تا بیش از یک سال که اشتیاق زیارت بود توفیق تشرف دست نداد، تا در اواسط ماه رجب ۱۳۷۸ هجریه قمریه با چند تن از دوستان سلوکی بنا به تقاضا و دعوت آنها عازم بر تشرف شدیم، و من تا آن زمان به گوشم نخورده بود که زیارت حضرت ثواب حجّ دارد، و نیز زیارت در ماه رجب را دارای خصوصیتی نمیدانستم و سفر ما در ماه رجب حسب الاتفاق بود، نه از روی قصد و انتخاب.

یکی دو روز مانده به موقع حرکت، حقیر که برای خداحافظی به دیدار بزرگان و اقوام و ارحام میرفتم، یک روز به منزل همشیره کوچک برای تودیع رفتم؛ وقتی مطلع شد که عازم آستان بوسی حضرت ثامن هستم، گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ! سُبْحَانَ اللَّهِ! من دیشب تو را در خواب دیدم که دو جامهٔ إحرام پوشیده‌ای و عازم بیت‌الله الحرام می‌باشی!

گفتم: خوب این خواب چه تعجبی دارد؟!

گفت: تعبیرش روشن شد که شما عازم زیارت امام رضا علیه السلام می‌باشید، زیرا که در روایت وارد است کسیکه زیارت آنحضرت را بجا بیاورد کأنّهُ حجّ و عمره را انجام داده است؛ و شما که عازم این زیارت هستید در عالم رویا ملبّس به لباس احرام بوده و مقصد، بیت‌الله الحرام بوده است.

من هم از این رویا تعجب نمودم، و به او گفتم: تا بحال من نمیدانستم که زیارت آنحضرت ارتباطی با حجّ و عمره دارد.

اشعار بحر العلوم در فضیلت کربلا و سائر مشاهد بر کعبه، و عظمت ایتان صلاة در آنها

بالجمله، این حقیقت را میتوان از اشعار سید بحر العلوم استفاده نمود،

آنجا که کربلا را در مرتبه و درجه، برتر از کعبه قلمداد نموده است و سپس در بیت بعد بقیّه مشاهد را در مرتبه و درجه به منزله کربلا به شمار آورده است:

أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْمَشَاهِدِ *** خَيْرَ الْبَقَاعِ أَفْضَلُ الْمَعَابِدِ (۱)

لِفَضْلِهَا اخْتِيرَتْ لِمَنْ يَهِنَ حَلٌّ *** ثُمَّ بَمَنْ قَدْ حَلَّهَا سَمَا الْمَحَلِّ (۲)

وَالسُّرِّي فِي فَضْلِ صَلَاةِ الْمَسْجِدِ *** قَبْرٌ لِمَعْصُومٍ بِهِ مُسْتَشْهَدٌ (۳)

بِرِشَّةٍ مِنْ دَمِهِ مُطَهَّرَةً *** طَهَّرَ هَالَهُ لِعَبْدٍ ذَكَرَهُ (٤)
 وَ هِيَ يُبَوِّتُ أَذْنَ اللَّهِ بِأَنْ *** تُرْفَعَ حَتَّى يُذَكَّرَ اسْمُهُ الْحَسَنُ (٥)
 وَ مِنْ حَدِيثِ كَرْبَلَا وَ الْكَعْبَةِ *** لِكَرْبَلَا بَانَ عُلُوُّ الرُّتْبَةِ (٦)
 وَ غَيْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ *** أَمْثَالُهَا بِالنَّقْلِ ذِي الشَّوَاهِدِ (٧)
 فَأَدَّ فِي جَمِيعِهَا الْمُفْتَرِضَا *** وَ النَّفْلَ وَ أَقْضِ مَا عَلَيْكَ مِنْ قَضَا (٨)
 وَ رَاعِ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرَّمْسِ *** وَ عَآثِرِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الرَّأْسِ (٩)
 وَ النَّهْيُ عَنْ تَقَدُّمِ فِيهَا أَدَبٍ *** وَ النَّصُّ فِي حُكْمِ الْمُسَاوَاةِ اضْطَرَبَ (١٠)
 وَ صَلَّ خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ *** كَعْيَرِهِ فِي نَدْبِهَا صَرِيحُ (١١)
 وَ الْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ *** وَ غَيْرِهَا كَالنُّورِ فَوْقَ الطُّورِ (١٢)
 فَالَسَّعِيُّ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نِدْبُ *** وَ قُرْبُهَا بَلِ اللُّصُوقِ قَدْ طُلِبَ (١٣)
 وَ الْإِتِّخَاذُ قِبَلَهُ وَ إِنْ مُنِعَ *** فَلَيْسَ بِالِدَّافِعِ إِذْنَا قَدْ سُمِعَ (١٤)^١

- ١ - نماز را در مشاهد مشرفه زیاد بجای آور، که آنجاها بهترین نقاط روی زمین است، و با فضیلت‌ترین معبدهای خداوند است.
- ٢ - به جهت فضیلت داشتن آن خاک است که برگزیده شده است تا قبر امامی باشد که در آن مدفون گشته است. سپس همین محلّ بواسطه حلول امام در آن شرافت دیگری پیدا کرده است (یعنی اولاً خودش لیاقت داشته که خاک قبر امام گردد، ثانیاً با قبر امام شدن فضیلت دیگری پیدا نموده است).^٢
- ٣ - و علّت آنکه نمازگزاردن در مسجد فضیلت دارد، وجود قبر معصومی است که در آنجا به درجه رفیعه شهادت رسیده است.
- ٤ - خداوند به برکت تراوش قطره‌ای پاک و پاکیزه شده از خون آن شهید، آن محلّ را پاک قرار داده است برای بنده‌ای که یاد خدا کند.
- ٥ - مشاهد مشرفه خانه‌هایی هستند که خداوند اجازه فرموده است تا بالاروند و رفیع‌القدر و عالی‌الرتبه باشند تا اینکه اسم مبارک خداوند که نیکو و حسن است در آنجاها برده شود.
- ٦ - و از حدیثی که درباره کربلا و درباره کعبه وارد شده است، برتری و علو رتبه کربلا نسبت به کعبه روشن و واضح شده است.^٣

^١ منظومه علامه سیّد مهدی بحر العلوم معروف به «الدُّرَّةُ التَّجَفِّيَّةُ»

^٢ بنابراین ضمیر اختیرت به همان بقاع و مشاهد برمیگردد نه به نماز، و لام اول برای تعلیل و لام دوم برای اختصاص خواهد بود. و چون ما این ابیات را در ص ٢٢٥ از جلد یازدهم «امام شناسی» از دوره علوم و معارف اسلام آورده‌ایم و به گونه‌ای معنی نموده‌ایم که ضمیر اختیرت به نماز برمیگردد، اینک باید آن ترجمه اصلاح گردد و این ترجمه بجای آن بنشیند.

^٣ آیه الله محقق سیّد محمود طباطبائی (قدّه) در کتاب «المَوَاهِبُ السَّنِيَّةُ فِي شَرْحِ الدُّرَّةِ الْعَرَوِيَّةِ» که از علامه سیّد مهدی بحر العلوم می‌باشد در ج ٥، ص ٢١٥ در شرح این بیت سیّد (ره) فرموده است:

- ۷ - و غیر از کربلا بقیّه مشاهد مشرفه دیگر هم در مقام و مرتبت، در حکم کربلا میباشند؛ و برای این مطلب شواهدی از علوم نقلیه در دست داریم.
- ۸ - بنابراین، تو جمیع نمازهای واجب و نوافل خود را در آن مشاهد بگزار، و نمازهای قضایت را همچنین در آنجا انجام بده!
- ۹ - و در آن مشاهد مراعات کن که هرچه میتوانی به قبر مبارک نزدیک باشی؛ و نماز خواندن در نزد سر امام را بر سائر جاها برگزین!
- ۱۰ - و نهی شرعی که از خواندن نماز جلوتر از قبر امام وارد شده است، نهی ادبی و تنزیهی است، نه نهی تحریمی؛ و نصی که درباره نماز خواندن محاذی و مساوی قبر معصوم وارد است، در متنش اضطراب دارد؛ و استفاده حرمت از آن نمیشود.
- ۱۱ - و نماز بخوان در پشت قبر (بطوریکه قبر را قبله خود قرار دهی) زیرا اخبار وارده صحیحه و غیر صحیحه در استحباب آن صراحت دارد.
- ۱۲ - و فرق میان این قبور مطهره (که در آنجاها نمازگزاردن استحباب اکید دارد) و میان غیر این قبور (که در آنجاها نمازگزاردن کراهت دارد) مانند قطعه نوری است که بر فراز کوهی میدرخشد و خودش را نشان میدهد. (دیگر جای شبهه نیست).
- ۱۳ - بنابراین، شتافتن برای نماز خواندن در نزدیکی این قبور مطهره مندوب و مستحب است؛ و هرچه نزدیکتر بودن به قبر، و بلکه چسبیدن به آن نیز مطلوب و ممدوح است.
- ۱۴ - و قبر مردگان را در وقت نماز، قبله خود قرار دادن اگرچه مورد نهی و منع واقع شده است؛ ولیکن این عمومات و اطلاقات نمیتواند بذنی را که درباره خصوص معصومین وارد شده است از میان بردارد.
- حضرت آقای حاج سید هاشم پس از زیارت و طواف اگر به راحتی در بالای سر مطهر جا برای نماز بود، آنجا نماز میگزاردند؛ و گرنه هر جای حرم که جا بود و مزاحم کسی نبود به آنجا میرفتند؛ و این رویه آنحضرت بود در همه مشاهد مشرفه مثل نجف و کربلا و کاظمین و سامراء.

فَقِيَ خَبَرِ عَمْرٍو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ كَرْبَلَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ بِأَرْبَعَةٍ وَعَشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَقَدَّسَهَا وَبَارَكَ عَلَيْهَا فَمَا زَالَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مُبَارَكَةً لَا تَزَالُ كَذَلِكَ جَعَلَهَا اللَّهُ أَفْضَلَ الْأَرْضِ فِي الْجَنَّةِ.

و يُمَكِّنُ الْإِسْتِنَادَ فِي ذَلِكَ إِلَى الْأَخْبَارِ الْوَارِدَةِ فِي فَضْلِ زِيَارَتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مَرَارًا مَعَ أَنَّ فِيهِمَا الطَّوْفَ بِالنَّبِيِّ وَ زِيَارَتَهُ. - تا آخر شرح طویلی که افاده نموده است.